

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالحکیم عزیز

۲۰۱۰/۵/۱

کابینه جواسیس

شورای ضد ملی و غیر شرافتمند دولت مستعمراتی افغانستان به چند تن از وزرائی که ارتباطات عمیق با استخبارات کشور های بیگانه دارند، به اصطلاح رأی اعتماد داد. این دادوستد ننگین در يك نظام مستعمراتی کمترین ارزش سیاسی و اجتماعی ندارد. وزرای که رأی اعتماد گرفتند، نباید به خود ببالند که کدام شخصیت استثنائی و ملی اند، بلکه عمق خیانت آنها را به کشور و وابستگی های شانرا به دستگاه های استخباراتی کشور های اشغالگر و یا ممالک همسایه ثابت میسازد. افرادی که قادر به گرفتن رأی اعتماد نشدند، هم به خود نبالند که اشخاص ملی اند و روی این دلیل شورای ضد ملی به آنها رأی نداده است. داخل شدن در چنین نظام به هر نحوی که باشد گویای ضد ملی بودن همان فرد است. مهم نیست که آن شخص مورد تائید پارلمان قرار گیرد یا خیر! اما اینرا هم میدانیم درجه وابستگی افراد از هم متفاوت است. فردیکه سال ها در خدمت اجانب قرار داشته و از خوان استعمار سیرآب شده است، اعتبارش نزد مراجع استعماری به مراتب بیشتر نسبت به يك نو وارد در صحنه خیانت ملی است. سال ها وقت کار است که يك خاین پخته شود و شعور ملی و وجدان انسانی خود را از دست بدهد تا بتواند از اعتبار قابل ملاحظه نزد اربابان اجنبی برخوردار گردد. از زمره هفت تن از سرسپردگان استعمار که مورد تائید شورای ضد ملی قرار گرفته اند، بر چهار تن بیشتر تأکید میکنم: رحیم وردک، حنیف اتمر، سید مخدوم رهین و فاروق وردک. در مورد آصف رحیمی، وحیدالله شهرانی و سروردانش شناختی و معلوماتی ندارم و امید که سایر هم میهنان در خصوص اینها نظرات خود را بنویسند. به ارتباط رد ۱۷ تن از وزاری نظام مستعمراتی، رسانه های مطبوعاتی آنها يك ضربه مهلك به حیثیت حامد کرزی میدانند. در حالیکه این ادعا را نمیتوان رد نمود، یک عده از اهل خبره معتقد اند که دست ها و عملکرد های دیگری در کار بوده است تا يك تعداد از کاندیدان نباید مورد تائید قرار بگیرند. اول اینکه اعضای همه معاشخوار امریکا اند و بدون تردید که از امر و نهی امریکا در رد وزرای کاندیدی جنگ سالاران و یا افراد غیر قابل اعتبار اطاعت کردند. دوم اینکه مردم از روباه بازی حامد کرزی هم سخن میگویند بدین معنی که در

خفا با "وڪلا" داخل تماس شده و ایشان را به ندادن رأی اعتماد به چند تن تشویق نموده است، خصوصاً کسانی را که کرزی رقیب خود میدانست و خطری از جانب آنها احساس می کرد. چنین بازی های کثیف از شخصی مانند کرزی هرگز بعید نیست.

چهار تنی که مورد تائید شورا قرار گرفتند، میتوان آنها را در ردیف جواسیس يك جانبیه، دوجانبه و چند جانبیه آورد. عكس عقیده يك متصوف انسان کش در جنوب کالیفرنیا که قبلاً در ولایت میدان آدم کشته بود و تصور واهی دارد مبنی بر اینکه چطور ممکن است يك فرد جاسوس دو جانبیه باشد، حوادث افغانستان بار ها ثابت ساخته است که افراد فاقد شرف و وجدان انسانی خود را به ده ها کشور فروخته اند. گلاب زوی، نوالحق علومی، دستگیر پنجشیری، ظاهر طنین و صد ها تن دیگر را میتوان مثال آورد. این چهار تن هم جزء همان گروه نابکار تاریخ بوده و ملعون هر دو جهان اند.

رحیم وردك

سردسته همه شرافت فروشان رحیم وردك وزیر دفاع فعلی است که گذشته سخت ناپاك و تاریك دارد و از یادآوری آن برای هر انسان با شرف حالت تهوع دست میدهد. درین ساحه بدون تردید حتی بر عمر صمد هم رجحان می یابد. رحیم وردك فاقد هر نوع غرور بشری است و هم یکی از بزدل ترین صاحب منصبان اردوی ضد ملی افغانستان به شمار میرود. ما دو سال قبل شاهد بودیم که جناب شان در روز جشن با تپ تپ پای طالبان قبل از همه در منزل پناه بردند و برای فرار آمادگی می گرفتند تا اینکه نیرو های اشغالگر خبر خیریت را برایش آوردند. اشغالگران امریکائی و ناتو میخواهند که ازین جنرال پوقانه صفت صاحب منصبی بسازند که از امنیت افغانستان دفاع نماید! به به. رحیم وردك سال ها قبل از تجاوز شوروی به افغانستان و دوره جهاد در خدمت امریکا قرار داشت که تا امروز از همان اعتبار و وابستگی قبلی برخوردار است. تجاوز شوروی او را در خدمت پاکستانی ها قرار داد و از طریق تنظیم نقیب محبوب القلوب آی اس آی گردید بدون اینکه قرب و منزلت وی نزد امریکانیان رنگ ببازد. نظر به هدایت آس اس آی نزدیک بود که بند برق سروبی و یا نغلو را منفجر کند و در نتیجه صد هزار تن مردم بیگناه را نابود سازد. اما مداخله يك تعداد از مجاهدین واقعی توطئه پاکستان و خیانت رحیم وردك را خنثی ساخت. در جریان کارش با دولت مستعمراتی کابل، به طور کافی ثروتمند شده و از طریق غصب جایداد های مردم پول قابل توجهی را به جیب ریخته است. پسرش حامد وردك از قرارداد های امنیتی چند صد میلیون دالری مستفید گردیده و حالا مصروف تبلیغات برای خود و تداوم اشغال است و سعی میکند که واشنگتن را متقاعد سازد که وی میتواند بهترین بدیل برای جانشینی حامد کرزی باشد. حامد وردك شخص عیاش و فاسد است. در يك شب در یکی از کاباره های واشنگتن بیش از ۴ هزار دالر پول مشروب خود و دوستانش را پرداخت و در يك روز دو موتر گران قیمت سپورتی ایتالوی را که هر کدام بیش از هفت صد هزار قیمت داشت، خریداری نمود. این همه پول از کجا و چطور به دست آمده است؟ در يك کشور مستعمراتی که چور و چپاول جزء خط مشی دولت مزدور قرار دارد، این همه دزدی و اختلاس از جانب وزیر و فامیلش يك امر طبیعی معلوم میشود. آیا افغانستان میتواند با داشتن چنین يك وزیر دفاع ملوث و بی فرهنگ به معنی عام کلمه، مصون باشد و آزادی خود را حفظ کند؟ پاسخ به این سؤال را به هموطنان گرانقدر واگذار میشوم. قابل یادآوری است که در خلال مدت هشت سال دوره اشغال کشور، میلیارد ها دالر صرف به اصطلاح بازسازی اردوی ضد

ملی افغانستان تحت رهبری خاینانه رحیم وردك شده است، اما نتیجه خجالت بار بازسازی اردوی ضد ملی را هموطنان خود بهتر میدانند.

رحیم وردك نشان های زیادی بر سینه خود تعلیق کرده است. این عمل وی مرا به یاد يك حکایت واقعی می اندازد. روزی ایدی امین دکتاتور وقت یوگندا طی يك مسافرتش در یکی از کشور های افریقائی با هیل ثلاثی امپراتور حبشه برخورد و متوجه گردید که هیل ثلاثی با آن بنیه ضعیف و قد کوتاه مدال های متعددی روی سینه خود دارد. ایدی امین با هیکل قوی که داشت خود را در مقابل هیل ثلاثی حقیر دانست. لذا به رئیس تشریفات اش هدایت داد که مدال های مانند مدال های امپراتور حبشه به صورت فوری برایش تهیه ببیند. رئیس تشریفات ایدی امین به روم، پاریس و لندن مسافرت نمود و از کهنه فروشی این شهر ها نشان های زیادی را خریداری نموده و برای ایدی امین آورد و روی سینه وی نصب نمود. این حکایت صد در صد در مورد رحیم وردك صدق میکند. یکی از اعضای فامیلش مدال های متعددی را از کهنه فروشی های حوزه واشنگتن خریداری نموده و روی سینه وزیر دفاع با شهامت افغانستان نصب میکند. کسی نیست که از او سوال نماید که آقای وزیر این مدال را کی و نسبت کدام خدمت به وطن برایت اعطاء کرده اند؟ همه میدانیم که اکنون در افغانستان جز سرسپردگی به اجنبی، خدمت دیگری وجود ندارد.

حنیف اتمر

اتمر يك شخص بدنام دیگر در دستگاه دولت مستعمراتی کرزی محسوب میشود. اتمر سابقه کار در نظام تحت اشغال شوروی دارد و از زمره جواسیس کی جی بی در افغانستان به شمار می آمد (شاید هنوز هم به اف اس بی وفادار باشد). او در شوروی سابق تحصیلات خود را در رشته مسایل استخباراتی به پایان رسانیده و با نظام ضد ملی تحت اشغال شوروی در کابل همکاری کرد. اما در سابقه کار خود دوره تحصیلاتش در شوروی و فعالیت خود را در افغانستان به نفع شوروی و نظام مزدورش تحریر نمیکند. اتمر بعد از سقوط دولت دست نشانده شوروی در کابل به انگلستان پناهنده شد و در آنجا طوریکه ادعا دارد تحصیلات خود را در رشته های انکشاف دهات و تکنالوژی به پایان رسانیده است. درینجا بود که بر حسب معلومات به دست آمده اتمر همکاری خود را با سازمان جاسوسی انگلیس

MI-6 آغاز نمود. پس معلوم میشود که وی مانند ظاهر ظنین از وفاداری دوگانه برخوردار است .

حنیف اتمر را از مهره های انگلیسی نظام مستعمراتی کرزی می پندارند. همین وابستگی استعماری اش بود که در قسمت رأی اعتماد شورای ضد ملی به وی کمک نمود. مردم او را در مجموع انسان جیون و فاسد میگویند که افکار تبعیضی نسبت به اقلیت های افغانستان دارد. اتمر همچنان متهم است زمانی که به حیث وزیر معارف ایفای وظیفه میکرد، دست به تبعیض گسترده زد و افراد وابسته به خود را در پست های مهم مقرر نمود. اتمر از زمره باند حامد کرزی به شمار رفته و از معتمدین نزدیک او شمرده میشود. اتمر ان جی او سالار هم است و در زدو بند های پشت پرده ید طولا دارد. نام حنیف اتمر در لست چپاولگران ناحیه شیرپور کابل دیده شده است. با چنین گذشته تاریک و ناپاک، جای تعجب نیست که چرا حامیان بین المللی اش، او را شخص با کفایت میدانند.

سید مخدوم رهی

جاسوس جانشین یابو گردید. سید مخدوم رهین یکی از عمال سابقه دار ایران و یکی از دشمنان سرسخت پشتون ها و موجودیت افغانستان است که دوباره به وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان برگشت. نادانی و یابو گری کریم خرم باعث شد سگ زرد را دوباره برگرانند. نظام آخندی ایران هم برای تسلط فرهنگی و سیاسی خویش جداً به موجودیت رهین در پست وزارت اطلاعات و کلتور نیازمند است. بعد از بازگشت از ایران، در یکی از روز های ماه جون سال ۱۹۷۲، یه کجا به دیدن مرحوم اسمعیل مبلغ رفتیم. حین صحبت رهین به یکبارگی اظهار داشت که "افغانستان مانند اسرائیل است و باید بین ایران و پاکستان تقسیم شود." همه حاضرین شوکه دیدند و مرحوم مبلغ که متوجه این حماقت سید مخدوم رهین گردید، نیم نگاهی به من انداخت و فوراً گفت که "خیر آقای رهین، ما افغانستان عزیز را دوست داریم." بعد از استقرار جمهوریت عضو حزب "انقلاب ملی" شد و برای گرفتن موقفی نزد عبداللہ معاون رئیس جمهور از هیچ گونه کاسه لیزی و تملق خودداری نمیکرد. چون نفوذ پرچمیان را در دستگاه نظام جمهوری روز افزون میدید، نزدیکی را با آنها هم آغاز کرد. اگر در آغاز کودتای ۱۹۷۸، پرچمیان قدرت را می ربودند، سید مخدوم رهین بدوم تردید در افغانستان باقی می میماند و موقفی به دست میآورد. ناگفته نباید گذاشت که مرحوم اسدالله سراج سابق سفیر افغانستان در ایران در يك محفل در ایالت ورجینیای امریکا حکایت کرد که "سید مخدوم رهین در جریان تحصیل در پوهنتون تهران، شب نامه های حزب منحلۀ توده را در میان محصلان توزیع میکرد که توسط ساواک گرفتار و به زندان انداخته شد. به اثر مداخلۀ من، سید مخدوم رهین از حبس ساواک رها شد، اما تعهد سپرد که با آن سازمان همکاری نماید." ما امروز مشاهده میکنیم که با وجود سقوط نظام شاهنشاهی، وفاداری رهین به واک سازمان جاسوسی نظام آخندی همچنان باقی مانده است. واقعاً که سید مخدوم رهین یکی از مهره های با ارزش سازمان جاسوسی ایران (واواک) در افغانستان است که با کوشش زایدالوصفی در راه محو هویت ملی افغانها جانفشانی میکند .

در جریان جهاد در پاکستان اول با نقیب و بعداً با حضرت کار کرد و با آی اس آی هم روابط بسیار نزدیک برقرار نمود. حتی بعد از مهاجرت به امریکا گاه گاهی به پاکستان سفر میکرد اما در ظاهر خود را ضد پاکستان معرفی می نمود. نزدیکی اش با پاکستان، وفاداری اش را با سازمان استخباراتی ایران نقض نمیکرد و نمیکند. هدف همکاری اش با آی اس آی پاکستان فقط و فقط ضربه زدن به افغانستان بود. حضرت او را همیشه توهین میکرد و به وی پدر لعنتی میداد، اما رهین در جواب میگفت که "شما پدر استید صاحب، شما پدر استید صاحب." در امریکا با باجه اش قوی کوشان جریده امید را تأسیس کردند که از کمک های پولی سازمان استخباراتی ایران برخوردار بوده است. اهداف عمده امید دشنام دادن به پشتون ها و اشخاص ملی و هموار ساختن راه برای تسلط نظام آخندی ایران بر افغانستان شمرده میشود. ازینرو به پیمانه وسیعی به دشنام و توهین هر کسی که میگفت "من وطن خود را دوست دارم" آغاز کردند. اما به اثر مقاومت بی نظیر هم میهنان، در اخیر جز سرشکستگی چیزی نصیب شان نشد که در حقیقت شکست بزرگ برای سازمان جاسوسی ایران تلقی میگردد. رهین همراه با يك تعداد از خلقیان، پرچمیان و ستمیان و اوباشان سازمانی را بنام "صلح و دموکراسی" به حمایت غدار نامدار تاریخ احمد شاه مسعود به راه انداختند. شریف فایض هم جزو همیهن گروه میهن فروشان بود که بعد از تجاوز امریکا به افغانستان به قدرت رسید. هر

کسیکه علیه احمدشاه مسعود و یا ایران حرف میزد در جریده مزدور امید مورد سرزنش جدی قرار میگرفت و برای از صحنه کشیدن همان شخص موضوعات فامیلی اش را هم مطرح میکردند تا فرد مورد نظر نتواند بار دیگر علیه بت این میهن فروشان و کشور بادر شان یعنی ایران حرفی بگوید. با پول و افریکه در اختیار داشتند، اعضای فامیل ها را با پرداخت پول علیه یکدیگر تحریک میکردند تا در فامیل ها اتحاد و یگانگی باقی نماند. در جریان مظاهرات سید مخدوم رهین بیرق ربانی را بلند کرد و بیرق ملی افغانستان را **"لته سرخ کثیف"** نامید. حالا خود در زیر همان لته سرخ می نشیند و هر چند باری لبان خود را به آن می مالد.

سید مخدوم رهین در جریان فعالیت های سیاسی در روم، پای بوس ظاهر شاه گردید، در حالیکه با نام مستعار ظاهرشاه و فامیلش را با بدترین کلمات در جریده امید دشنام میداد. ظاهرشاه هم که از افراد متملق و کاسیه لیس بدش نمی آمد و همچنان از ترس تبلیغات نظام آخندی، سید مخدوم رهین را پرورش داده و از وی استفاده میکرد. رهین مانند امین فرهنگ باجه ظاهر شاه و زلمی رسول جریانات روم و نیت ظاهرشاه را به اطلاع شورای نظاری ها میرساند. البته که تهران هم کلاً از ستراتیژی ظاهرشاه روزمره با خبر میشد و قسمت غیر قابل پسند آنرا خنثی میکرد. بعد از سقوط طالبان و تجاوز امریکا بر افغانستان، سید مخدوم رهین نظر به سفارش ایران، وزیر اطلاعات و کلتور مقرر شد که در میان پشتون ها سر و صدای زیادی بلند نمود. تبلیغات گسترده به ضد وی بالاخره باعث سلب اعتماد از رهین در شورا گردید. لکن نظر به خواست ظاهرشاه به حیث سفیر در هند مقرر شد. در آنجا طبق گزارش های غیر قابل انکار از طریق فروش مشروبات الکلی و معاملات طلا پول زیادی به دست آورد. همچنان با استخبارات هند از نزدیک تماس حاصل نموده و زمینه ساز توسعه فعالیت های جاسوسی و اوک ایران و راو هند در افغانستان گردید. از کابل معلومات به دست آمد که سازمان اسخباراتی ایران (و اوک) پول هنگفتی در بازگشت وی به وزارت اطلاعات کلتور مصرف نموده است. دوستان از افغانستان گزارش دادند که و اوک پول زیادی در اختیار چند تن در ننگرهار گذاشته تا به حمایت رهین شعار بدهند و خواستار بازگشت وی به وزارت اطلاعات و کلتور شوند. با این بازی، و اوک میخواست که ثابت کند که سید مخدوم رهین حتا در ننگرهار که یکی از مراکز پشتون هاست، محبوبیت دارد. اینبود سرگذشت مختصر یکی از کثیف ترین چهره های سال های اخیر کشور که از هیچگونه برپادی در حق افغانستان خود داری نکرده است. او حالا وزیر همان کشور است که آنرا پوشالی می نامید. بارک الله! سایت تول افغان به تاریخ دوم جنوری گزارش داد که "یکی از مقامات ایرانی برای کرزی در مورد تقرر سید مخدوم رهین تبریک گفت." در اخیر باید علاوه نموده که رهین با استخبارات امریکا هم در ارتباط است. به لینک پائین مراجعه کنید که معنی جاسوس چند جانبه را نیز به خوبی افاده میکند. در آن لست اسمای چند تن دیگر از انسان های فاقد عرق ملی هم مشاهده میشود.

<http://www.wsws.org/articles/2003/mar2003/karz-m08.shtml>

فاروق وردک

طبق اظهاریه تعداد زیادی از هموطنان، فاروق وردک یکی از عمال آی اس آی در افغانستان بوده و یار نزدیک حامد کرزی شمرده میشود. فاروق وردک تحصیلات خود را در رشته های فارمسی و اداره در پاکستان به پایان رسانید. در

دهه هشتاد در کمیته سویدن در پشاور اجرای وظیفه نموده و در اداره انکشافی ملل متحد خدمت نمود. سابقه کارش نشان میدهد که باید از امتیازات خاصی نزد آی اس آی پاکستان و بعضی مقامات بین المللی برخوردار باشد. از قراین معلوم میشود که نزدیکی وی با حامد کرزی اطمینان خاطری برای پاکستانی هاست. فاروق وردک متهم به داشتن افکار شووینستی و قوم گرانی است و يك تعداد، او را انسان متعصب و نژاد پرست می پندارند. وی از مهره های اصلی "جرگه امن" بود که از آشتی با طالبان و حزب اسلامی حکمتیار حمایت می نمود. سپردن يك وزارت بس مهم مانند وزارت معارف در دست همچو افراد بی خرد و فاقد وجدان ملی بزرگترین ضربه بر تربیه فرزندان کشور و هویت ملی افغانستان تلقی میشود.

فعالیت های پشت پرده هنوز بین کرزی و شورای ضد ملی تحت رهبری يك جنایتکار حرفه ئی به نام یونس قانونی ادامه دارد. کرزی و کاندیدان پست وزارت ها سعی خواهند کرد که با وعده رشوه های کلان سیاسی يك تعداد وکلای شورای دولت مستعمراتی را به سوی خود بکشانند و در دور دوم از آنها به اصطلاح رأی اعتماد به دست آورند. درین بازی کثیف منافع شخصی و گروهی بر منافع ملی ارجحیت می یابد و خواست استعمار گران بر ندای بیچارگان سبقت می جوید. این است سرنوشت آن ملت بدبخت که در زیر مهمیز استعمارگران دست و پا میزد تا افرادی مانند کرزی و قانونی و وردک از جان کندن آن ملت مظلوم لذت ببرند.